



An Investigation into the Origins of Lying and Strategies for Addressing It from the Perspective of Narrations

Sakineh Khaleghi-Nezhad / Level 3 Student in Quranic Exegesis, Jami'at al-Zahra

saharkhaleghii3@gmail.com



Zeinab Darvishi / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

zinab455@iau.ac.ir

Received: 2025/02/08 - Accepted: 2025/09/27

Abstract

This research is grounded in an inquiry into the origins of lying, aiming to explore strategies for its mitigation. The significance of this study lies in the fact that lying functions as a critical impediment to both individual and societal progress and felicity. Adopting a descriptive-analytical framework and grounding the study in Quranic and Hadith traditions, this research investigates the pathology of lying within the family unit. By delineating the detrimental consequences of lying on familial integrity, this study articulates remedial strategies aimed at strengthening the family institution and fostering ethical well-being. The findings are as follows: Honesty acts as the cornerstone of interpersonal life and a primary mechanism for generating trust within the family and broader society. Conversely, lying functions as a corrosive force; it erodes the social capital of trust, fosters emotional estrangement, and precipitates the disintegration of familial and societal structures. Systematic abstinence from falsehood, regardless of its magnitude, is the manifestation of inner equilibrium and practical rationality. This moral discipline serves as a vital instrument in navigating adversities, ultimately leading the individual toward felicity and existential tranquility.

Keywords: Honesty, lying, Practical Rationality, Family Ethics, Existential Tranquility.



نوع مقاله: ترویجی

بررسی منشأ دروغ‌گویی و راهکارهای مواجهه با آن از نظر روایات

saharkhaleghii3@gmail.com

zinab455@iaua.ac.ir

سکینه خالقی نژاد / سطح ۳ تفسیر جامعه‌الزهراء

ک زینب درویشی / استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال منشأ دروغ‌گویی و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ شکل گرفته است. اهمیت موضوع بدان جهت است که دروغ‌گویی از آسیب‌هایی است که مانع پیشرفت و سعادت فرد و جامعه می‌باشد. در این مقاله به بررسی آسیب دروغ در خانواده و راه‌های مواجهه با آن از نظر قرآن و روایات می‌پردازد. با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع قرآنی و روایی، خود و دیگران را از آثار دروغ‌گویی بر استحکام خانواده آگاه نماید و راه‌های مقابله با آن را نیز بیان کند تا نهاد خانواده مستحکم شود و زمینه سعادت ایجاد شود و نتایج به‌دست‌آمده عبارت‌اند از: صداقت، که یکی از ارکان اساسی زندگی در خانواده و جامعه است و از آغاز آفرینش همراه انسان بوده و نقش مهمی در ایجاد اعتماد، امنیت، محبت و استحکام روابط دارد. دروغ موجب بی‌اعتمادی، کینه، نابودی محبت و فروپاشی خانواده و جامعه می‌شود. کسانی که با تعادل درونی و عقلانیت از دروغ پرهیز کرده و حتی دروغ کوچک بر زبان نمی‌آورند، می‌توانند در میان مشکلات، راه خوشبختی و آرامش را بیابند.

کلیدواژه‌ها: دروغ، خانواده، صداقت، کذب، جامعه.

مقدمه

مهم‌ترین نهاد سازندهٔ انسان، خانواده است و زوجین می‌توانند در محیط خانه بسیاری از فضایل انسانی را کسب کنند و رذایل اخلاقی فراوانی را از خود بزایند و اگر محیط خانه را مانند جبهه، مکتب انسان‌سازی نام نهیم، مبالغه نکرده‌ایم. انسان در صورتی که متوجه این امر باشد و در آن آرامش و آسایش داشته باشد، می‌تواند هم خودسازی کند و هم دیگران را تربیت نماید.

اما امروزه سلامت نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌های اساسی شده است و از زوایای گوناگون دچار آسیب گردیده است. این آسیب‌ها فراوان هستند. یکی از این چالش‌ها، دروغ‌گویی بین زوجین است. دروغ‌گویی بر کارکردهای مثبت خانواده بسیار اثر سوء می‌گذارد. از این‌رو در این مقاله به مسئله «منشأ دروغ‌گویی بین زن و شوهر چیست و این دروغ چه آثاری دارد و راه‌های درمان این آسیب چیست؟ پرداخته شده است.

خداوند در قرآن کریم سوره مبارکه روم آیه ۲۱ به اهمیت خانواده و آثار آن پرداخته است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از خودتان جفتی بیافرید تا در کنار او آرام گیرید و میان شما مهربانی و رحمت قرار داد. در این امر برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی است. از این‌رو در پژوهش حاضر نگارندگان به روش کتابخانه‌ای مستندات را جمع‌آوری نموده و سپس به بررسی توصیفی - تحلیلی این آسیب از نظر متون دینی پرداخته‌اند.

صداقت از مؤلفه‌های مهم رابطهٔ سالم در بین اعضای خانواده است و زمینهٔ اعتماد و برقراری رابطهٔ مستحکم را فراهم می‌کند و اگر نباشد باعث انحطاط و نابودی خانواده و به تبع جامعه می‌شود؛ چراکه دیگر خانواده یک نهاد انسان‌ساز نیست و فقط ظاهرش را حفظ کرده است. از این‌رو اهمیت دارد که بررسی شود چه چیز باعث عدم صداقت و دروغ‌گویی در بین آنهاست، تا از به وجود آمدن آن جلوگیری گردد و یا در صورت مواجهه درمان شود (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۳).

دروغ و کذب، یکی از بزرگ‌ترین رذائل اخلاقی است. «کذب بر وزن وزر، مصدر به معنای دروغ گفتن است و بر وزن کُتِف اسم مصدر به معنای دروغ است» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۹۷). رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ وَ الْكُذْبَ مَسْتُومٌ» (ورام بن

ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۳)؛ بدان که راستی مبارک است و دروغ شوم. با دروغ و بی‌صداقتی، خانواده به شدت آسیب می‌بیند و همهٔ رفتارها و مناسبات تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرند. شعله شک، نیرنگ و پنهان‌کاری و تهمت در فضای خانه روشن می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَ الْكُذْبَ فَإِنَّهُ مَعَ الْفُجُورِ وَ هُمَا فِي النَّارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۱۲)؛ از دروغ بپرهیزید؛ زیرا دروغ توأم با انصراف از حق و پرده‌داری است و هر دو در آتش‌اند. با دروغ و نیرنگ انسان در زندگی خوشبخت نمی‌شود. خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ لَا يُفْلِحُونَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۰)؛ بگو کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند. عدم صداقت آرامش را از بین می‌برد. انسان را به هلاکت می‌رساند و از سعادت دور می‌کند. امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌فرماید: «الْصِّدْقُ مُطَابَقَةُ الْمَنْطِقِ لِلْوَضْعِ إِلَهِي وَ الْكُذْبُ زَوَالُ الْمَنْطِقِ عَنْ وَضْعِ إِلَهِي» (موسوی لاری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۱)؛ صدق مطابقت سخن با وضع الهی است و کذب ناهماهنگی سخن با وضع الهی است. قوانین وضع‌شده الهی مطابق با فطرت آدمی است. فطریات، مطابق با ذات انسان و مایهٔ آرمش انسان هستند. «اساس برنامه‌های الهی متکی بر فطرت توحید و فطرت اخلاق است؛ این اصول طبیعی به مدد عقل، پایگاه اساسی تربیت بشری را تشکیل می‌دهند و تنها در پرتو این برنامه‌ها، زندگی آرام و بدون اضطراب به وجود می‌آید» (موسوی لاری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۱).

زندگی در پرتو صراحت و صداقت مطابق با قوانین الهی، آرامش‌بخش و قابل اعتماد است و زن و مرد بدون پرده‌پوشی مشکلات را با یکدیگر در میان می‌گذارند. رفتار ابهام‌آمیز ندارند و به راحتی می‌توانند با هم گفت‌وگو کنند و به یکدیگر تکیه کنند، اما دروغ نابودکننده خانواده است و آثار منفی بر خانواده دارد که همان‌طور که در روایات مذکور بدان اشاره شد. رذایل اخلاقی که به دنبال ارتکاب به دروغ انسان به آنها مبتلا می‌شود، از جمله اشاره شد به پرده‌داری و عدم آرامش و آسایش ناشی از استرس فاش شدن دروغ است که موجبات سختی‌های بسیاری در محروم شدن از یک زندگی آرام می‌شود و از طرفی تلاش‌هایی برای پنهان‌کاری، دروغ‌گویی‌های بعدی به همان منظور و ارتکاب گناهان بیشتر و عادی شدن آن گناهان، بذر رذایل اخلاقی را در دل انسان می‌کارد و

او را از آراسته بودن به فضایل اخلاقی که مهم‌ترین آنها صداقت است، محروم می‌کند و موجبات شقاوت و بدبختی انسان در دنیا و آخرت را فراهم می‌گرداند و به همین دلیل است که در کلام رسول خدا ﷺ از دروغ تحت عنوان شوم تعبیر شده است.

کتاب‌های زیادی در علوم انسانی از نظر روان‌شناسان به بررسی موضوع دروغ پرداخته‌اند. در متون دینی هم کتاب‌هایی مثل /اخلاق در قرآن (۱۳۷۷) و زندگی در پرتو /اخلاق (۱۳۷۶)، آیت‌الله مکارم شیرازی، اخلاق محتشمی، چهل حدیث‌ها مثل گناهان کبیره (۱۳۸۸)، شهید دستغیب، چهل حدیث، امام خمینی و کتاب‌های حدیثی دیگر که به بیان آثار منفی دروغ و علل آن در ذیل سایر مباحث پرداخته‌اند.

اگرچه حسن اسلامی در کتاب دروغ مصلحت‌آمیز (۱۳۸۷)، و سیدرضا صدر در کتاب دروغ (۱۳۸۷)، به بیان علل دروغ و منشأ آن پرداخته‌اند، لیکن موضوع دروغ در بین زن و شوهر آن هم از نظر متون دینی از لحاظ منابع بسیار محدود است و تا کنون کسی به طور منسجم به آن نپرداخته و راهکاری برای درمان آن ارائه نداده است. در این پژوهش ذیل سه عنوان اصلی به بیان سرچشمه دروغ، آثار دروغ و راه‌های مواجهه با آن پرداخته شده است.

۱. سرچشمه‌های دروغ

دروغ در بین زن و مرد مانند هر رذیله دیگری سرچشمه‌هایی دارد که در این قسمت به آنها پرداخته شده است. از آنجاکه دروغ گفتن در میان زن و مرد، مانند سایر موقعیت‌های انسان علل عمومی دارد. از این رو به مهم‌ترین آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود:

۱-۱. ضعف اعتقاد به وجود و قدرت الهی

ضعف ایمان و اعتقاد به وجود خداوند و قدرت الهی در مسائل متفاوت در خانواده و یا هر جای دیگر، یکی از انگیزه‌های دروغ گفتن است. پس بین ضعف ایمان و دروغ رابطه مستقیم وجود دارد. امام باقر ع می‌فرماید: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۸۶)؛ از دروغ کناره‌گیری کنید؛ چراکه دروغ جدای از ایمان می‌باشد. اگر زن یا مرد به قدرت الهی در حوادث روزمره ایمان داشته باشد، هرگز برای رسیدن به خواسته‌های خود در مقابل همسر دروغ نمی‌گوید. قطعاً کسانی که به قدرت

لازال الهی ایمان یقینی دارند و منشأ همه برکات و پیروزی‌ها و موفقیت‌ها را اراده نافذ او می‌دانند، قدرت او را مافوق همه قدرت‌ها و حمایت او را بالاترین حمایت‌ها شناخته‌اند، دلیلی ندارد که برای دفع ضرر و ترس یا برای نیل به منفعت متوسل به خلاف واقع‌گویی گردند و دروغ‌پردازی نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۸۰). حاصل سخن اینکه منشأ دروغ‌گویی انسان، ضعف اعتقادی به قدرت الهی است (خالقی نژاد، ۱۳۹۷، ص ۴۰).

۱-۲. ضعف شخصیت

ضعف شخصیت نیز یکی از سرچشمه‌های دروغ است. افرادی که گرفتار عقده حقارت‌اند، برای پوشاندن ضعف و ناتوانی خود در مقابل همسر یا خانواده همسر متوسل به دروغ می‌شوند. پیامبر اکرم ع فرمودند: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ عَلَيْهِ» (متقی هندی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۶۲۵)؛ کسی دروغ نمی‌گوید، مگر به خاطر بی‌ارزش بودن خودش در نظر خویش، حاصل اینکه یکی از سرچشمه‌های دروغ‌گویی در بین اعضای خانواده، عدم خودشناسی و نادانی نسبت به مقام و ارزش شخصیت خود می‌باشد و اگر بدانند خداوند تا چه حد برای انسان ارزش قائل شده است، هرگز حاضر نخواهند شد این منزلت را از دست بدهند. اینکه انسان باور داشته باشد خداوند همان‌طور که بر اساس آیه «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (ص: ۷۲)، از آنجاکه از روح خود در ما دمیده؛ همان‌طور که خودش صادق است، قطعاً انسان نیز که مخلوق اوست و درواقع کشتزاری برای صفات الهی محسوب می‌شود. حال یکی از این صفات صداقت است که هرچه در انسان بیشتر به خدا از جهت ویژگی فضیلت صداقت نزدیک‌تر خواهد شد.

۱-۳. متصف به رذایل اخلاقی

رذایل اخلاقی، نظیر حسادت و کینه از کسانی که مورد احترام و محبت هر یک از زن و مرد هستند، گاهی می‌تواند منشأ دروغ باشد. از آنجاکه زن تمایل دارد محبوب‌ترین شخص نزد همسرش باشد و مرد دوست دارد، محترم‌ترین شخص نزد همسرش باشد. حال اگر همسری احساس کند این مسائل نزد همسرش کم‌رنگ شده، برای جبران به سمت دروغ می‌رود. اگرچه ممکن است، در حقیقت این‌طور نباشد، بلکه همسر به دلیل مسائل اخلاقی در برداشت‌های خود دچار

رذیله اخلاقی هستند، از جمله دوستان ناباب و دروغگو و محیط‌هایی که آنها را به دروغ تشویق می‌کند، باعث ابتلا به این رذیله می‌گردد. همان‌گونه که ارتباط با افراد آلوده به بیماری‌های جسمی و محیط‌های آلوده به میکروب باعث مبتلا شدن به این بیماری‌ها خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۳۶).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: از دوستی با دروغگو پرهیز؛ زیرا دروغگو چون سراب است که دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۱).

از دیرباز گفته‌اند که دروغ‌گو را دوست و رفیقی نباشد. همچنین از روایات چنین برداشت می‌گردد که آدم دروغگو دلایل و حجت‌های آشکار را از بین می‌برد و با ایجاد شبهات، پیروانش را به نیستی می‌کشاند و با توجه به مطالب گفته‌شده به این نتیجه می‌رسیم در همنشینی با افراد باید نهایت دقت را به عمل آورد تا در دام دوستی با انسان‌های دروغگو نیفتیم؛ زیرا رذایل اخلاقی، به‌ویژه دروغ که منشأ سایر رذایل نیز می‌باشد، قابل سرایت به همدیگر است و افراد با توجه به اینکه از هم تأثیرپذیر هستند، باید مراقب باشند در مراودات خود با دیگران اول به زره تقوا خود را مسلح نموده و در برخورد با دیگران به صورت منفعل عمل نکنند، بلکه سعی بر تأثیرگذاری و فعال عمل کردن نمایند.

۲. آثار دروغ

در اینجا به بیان برخی از آثار شوم دروغ‌گویی پرداخته می‌شود تا از رهگذر آن انگیزه کافی برای پرهیز از دروغ پیدا شود.

۲-۱. از بین رفتن حرمت و شخصیت

یکی از آثار دروغ، از بین رفتن حرمت و شخصیت نزد هم است. همان‌طور که صداقت موجب عزت و بالا رفتن شخصیت انسان می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْصَّدْقُ عِزٌّ وَ الْكِذْبُ عَجْزٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۱۲). صداقت مایه عزت و دروغ مایه خواری است. «دروغ گفتن باعث هلاک ابدی و مایه سقوط عزت و موجب رسوایی و خواری است. دروغ باعث سلب اعتماد و موجب بی‌اعتباری است؛ چه، دروغ گفتن به ضربت شمشیری ماند، اگر جراحت ملتئم شود نشان همچنان بماند» (قمی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۹). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَجَاجَةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى

اشتباه شده باشد. بیماری‌های اخلاقی، نظیر حسادت، کینه، تکبر و انحراف از مسیر حق و آلودگی به انواع گناهان سبب تشویق زن و مرد به دروغ می‌شود. همان‌گونه که در اجتماع نیز در میان بعضی از مردم این باور به وجود آمده که می‌گویند اگر به دروغ متوسل نشویم، زندگی کردن در این اجتماع برای ما مشکل است، و یا کسب و تجارت ما می‌خوابد. دلبستگی به دنیا و علاقه شدید به دنیا و حفظ مقام از عوامل تشدید دروغ است (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۵۶). درحالی‌که غافل از این است که دروغ خود می‌تواند منشأ بسیاری از رذایل اخلاقی دیگر باشد که موجبات سقوط انسان از مقام والای انسانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۳۲-۲۳۵).

۴-۱. بی‌اعتمادی نسبت به هم

ترس از برخورد تند در مقابل اشتباهات نیز باعث دروغ‌گویی در خانواده می‌گردد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ تَمَيَّزَتِ الْأَشْيَاءُ لَكَانَ الصَّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ وَ كَانَ الْجُبْنُ مَعَ الْكِذْبِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۱۸)؛ اگر اشیا از هم جدا شوند (و گروه‌بندی گردند)، صدق و راستی همراه شجاعت خواهد بود و ترس همراه دروغ.

پس دروغ بهترین حربه دفاعی افراد ناتوان است. دروغ انعکاس ضعف و ناتوانی است. هنگامی‌که به کودکی بگوییم: آیا تو به این آب‌نبات‌ها دست زده‌ای؟ یا این گلدان را تو شکسته‌ای؟ اگر کودک بداند که اقرار برای او به بهای یک گوشمالی شدید و مجازات سخت تمام می‌شود، گزینه دفاع از خویشتن وی را وامی‌دارد که بگوید: نه من نکرده‌ام (موسوی لاری، ۱۳۷۸، ص ۵۹).

بنابراین اعضای خانواده باید موجبات اعتماد همدیگر را فراهم نمایند تا گرفتار توسل گناه دروغ نگردند. اگر رابطه اعضای خانواده بر پایه روابط گرم و صمیمانه باشد، افراد از ترس مجبور به پناه بردن به دروغ نمی‌شوند و قطعاً موجبات آرامش و دلگرمی نسبت به هم و نسبت به زندگی بین آنها فراهم می‌گردد و به تبع رفتارشان در جامعه نیز رفتاری نرمال و توأم با راحتی و آرامش است و خیلی از استرس‌ها و عصبانیت‌ها نیز از بین می‌رود.

۵-۱. معاشرت با دروغ‌گویان

معاشرت با دوستان ناباب و دروغ‌گو نیز باعث ریشه گرفتن صفت دروغ‌گویی در آدمی می‌گردد. معاشرت با اشخاصی که مبتلا به این

ص ۴۱۵؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۴۳۴). شاهد بر این مسئله این کلام حضرت امیر است: «إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ وَلَا أَعْلَمُ جُنَّةً أَوْقَى مِنْهُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۳، خطبه ۴۱)؛ بی‌گمان، وفا همراه راستی است و من سپری نگهدارنده‌تر از وفا سراغ ندارم.

عادت به دروغ، مانع اعتماد به کلام راست فرد می‌گردد. همچون برادران یوسف^ع به عیب دروغ گفتن شناخته شدند، حضرت یعقوب^ع به راست گفتن ایشان اعتماد نکرد. «چرا یعقوب فرزندان را در داستان بنیامین به دروغ‌گویی متهم ساخت، حال آنکه آنان حقیقت ماجرا را داستان دزدیده شدن پیمان پادشاه گفته بودند؟ و چرا آنان را عتاب کرد؛ زیرا برادران بار اول درباره یوسف دروغ گفته بودند و به سبب سوءسابقه در خیانت، تهمت دروغ‌گویی اقرب احتمالات بود» (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۰۷). امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثِّقَةُ بِهِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۹۰)؛ کسی که به دروغ‌گویی شناخته شود، اعتماد مردم به او کم می‌شود. دروغ‌گویی در خانواده هم، موجب سلب اعتماد متقابل می‌گردد. گاهی این دروغ‌گویی تا اندازه‌ای پیش می‌رود که فرد با دلایل محکم هم نمی‌تواند اعتماد طرف مقابل را به خود جلب کند. نتیجه آن بی‌اعتمادی و اختلاف است و بنیان خانواده را نابود می‌کند. در عوض صداقت در خانواده باعث پذیرش کلام و اعتماد متقابل می‌شود (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۴۹). «مفاسد دروغ چندان فراوان است که با مصالح احتمالی و اندک آن قابل مقایسه نیست. دروغ، بنیاد خانواده را در درازمدت متزلزل می‌کند؛ موجب سلب اعتماد اعضای خانواده به هم می‌شود و در نتیجه نمی‌توان آن را مجاز دانست» (اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹-۱۸۰؛ مهدوی‌کنی، ۱۳۹۸، ص ۲۷۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۷۸). بنابراین می‌توان گفت: دروغ موجب سلب اعتماد بین افراد، چه در خانواده و چه در جامعه و همچنین باعث شک و تردید در روابط بین افراد و عدم پذیرش کلام همدیگر می‌شود. حاصل سخن اینکه خانواده‌ای که در آن دروغ‌گویی بین اعضا موجب کاشته شدن تخم شک و دودلی گشته است، نه تنها خانواده از هم گسیخته‌ای است، بلکه تأثیر مستقیم بر شک در روابط افراد و اطمینان آنها در جامعه به هم نیز می‌گردد.

۲-۳. از بین رفتن ایمان

یکی دیگر از آثار دروغ، از بین رفتن ایمان است. ایمان و دروغ قابل جمع نیستند؛ زیرا دروغگو به خاطر پوشاندن حقیقت از ایمان فاصله

شَرَفِ مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٍ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۷)؛ راستگو راه نجات و بزرگی و احترام است و دروغگو بر لبه پرتگاه و هلاکت و خواری است. بنا بر روایات مذکور دروغ هم موجب از بین رفتن حرمت و شخصیت انسان می‌شود و خیلی از توهین‌ها و بی‌احترامی‌ها را رقم می‌زند. شکسته شدن دیوار احترام در محیط خانواده، بنیان زندگی را به شدت سست و لرزان می‌کند؛ زیرا هر چقدر اعضای خانواده احترام همدیگر را رعایت نکنند، تعداد و شدت اختلاف و مشاجرات بیشتر می‌شود و بنیان خانواده متزلزل می‌شود و متزلزل شدن خانواده موجب تزلزل جامعه نیز می‌گردد (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۵۸). بنابراین صداقت موجبات حرمت و شخصیت انسان در خانواده و جامعه را فراهم می‌آورد و هر چه افراد در جامعه دارای شخصیت و احترام بیشتری باشند، به تبع جامعه سالم و سعادتمندتری خواهیم داشت.

۲-۲. سلب اعتماد بین افراد

یکی دیگر از آثار دروغ در خانواده و جامعه سلب اعتماد بین افراد نسبت به همدیگر است. اصلی‌ترین پایه روابط اجتماعی، اعتماد متقابل است. اعتماد متقابل، یعنی اینکه افراد در رفتار و گفتار به یکدیگر اطمینان داشته و نسبت به هم شک و تردید نداشته باشند. دروغ در زندگی اعتماد به هم را از بین می‌برد و باعث شک و تردید می‌گردد. اگر اعتماد میان اعضای خانواده و جامعه از بین برود تمام رفتارها و گفتارهای آنها برای هم معنادار می‌شود. در این صورت آرامش از زندگی رخ برمی‌بندد. همان‌طور که در روایتی از امام علی^ع آمده است: «مَنْ تَجَنَّبَ الْكَذِبَ صَدَقَتْ أَقْوَالُهُ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۴۶۱)؛ کسی که از دروغ بپرهیزد، سخنانش پذیرفته می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم سخنان ما نافذ و تأثیرگذار و پذیرفتنی گردد، باید صداقت پیشه نموده و از دروغ بپرهیزیم.

به واسطه دروغ، ستون‌های اعتماد فرو می‌ریزد و به دنبال آن بنایی که بر اساس آن پایه‌ها به پا شده تخریب می‌گردد. در کتب اخلاقی آمده مهم‌ترین سرمایه هر اجتماعی، اعتماد متقابل و اطمینان عمومی است. مهم‌ترین چیزی که این سرمایه را به نابودی می‌کشانند، دروغ و خیانت و تقلب است و یک دلیل عمده بر اهمیت فوق‌العاده راست‌گویی و ترک دروغ در تعلیمات اسلامی، همین موضوع است. دروغ‌گویی در یک اجتماع، اعضا را پراکنده می‌کند و اتحاد آنها را از بین می‌برد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۱،

می‌گیرد: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (نحل: ۱۰۵)؛ تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغ‌گویانند. در این آیه، نهی و منع از دروغ کرده است؛ زیرا می‌گوید: دروغ، کار کسانی است که ایمان ندارند» (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۵۴). از این رو می‌فرمایند: «الْكَذِبُ هُوَ خَرَابُ الدِّينِ» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۷۸)؛ دروغ ویرانگر ایمان است. اهل دروغ حصار ایمان را از دست می‌دهند.

انسان در زندگی خود همراه با هوای نفس و شهوت‌رانی است که آنها سرچشمه بسیاری از بداخلاقی و تندروی‌ها و خیانت‌ها در خانواده است. ایمان به خدا، هوای نفس را کنترل می‌کند، اما دروغ پایه‌های ایمان به خدا را از بین می‌برد و فرصت جولان به هوای نفس می‌دهد.

صداقت ستون دین است. این بیان مورد تأیید روایت است: «الْصِّدْقُ جَمَالُ الْإِنْسَانِ وَ دَعَامَةُ الْإِيمَانِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۴۳)؛ راست‌گویی جمال آدمی و ستون دین است. اما دروغ این ستون را نابود می‌کند و زمینه را برای بداخلاقی و تندروی و خیانت ایجاد می‌کند (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۵۱). اگر زن ایمان نداشته باشد، شوهر چگونه می‌تواند به او اعتماد کند و ساعتی وی را تنها بگذارد، اگر شوهر ایمان نداشته باشد، تکلیف زن بدبختش چه خواهد بود (صدر، ۱۳۸۷، ص ۶۷). در هر صورت اهل دروغ به دلیل نبود ایمان در حیطه خانواده نیز دچار بداخلاقی و خیانت می‌شوند و زمینه سقوط بنیان خانواده را به وجود می‌آورد و باعث فروپاشی خانواده می‌گردد و در جامعه نیز که متشکل از خانواده‌ها است تأثیر منفی آن قابل انکار نیست.

۲-۴. مبتلا شدن به انواع گناهان

از آثار دروغ، مبتلا شدن به بسیاری از گناهان است. دروغ انسان را از مسیر حق منحرف می‌کند و به ردای اخلاقی دیگر می‌کشانند. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكَذِبُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۶۳)؛ زشتی را در خانه‌ای گذاشته‌اند و دروغ را کلید آن خانه قرار داده‌اند. کسی که با دروغ سروکار دارد، در سیاه‌چال بدبختی قرار می‌گیرد.

انسان‌های گناهکار هنگامی که خود را در معرض رسوایی می‌بینند با دروغ گناهان خود را می‌پوشانند، درحالی که انسان راستگو

ناچار است گناهان دیگر را ترک کند؛ چراکه راست‌گویی به او اجازه انکار گناه را نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۴۱۳). ترس از رسوایی در انسان راستگو او را به ترک گناه دعوت می‌کند و این ترس به تدریج باعث دوری از همه گناهان می‌شود، اما دروغ پایه‌های ایمان را در خانواده از بین می‌برد و انسان بدون ایمان هر جنابتی می‌تواند انجام بدهد و ارتکاب انواع گناهان سهل می‌گردد. بعضی از گناهان که در اثر دروغ در خانواده به وجود می‌آیند، عبارتند از: نفاق و دورویی، خیانت، بدگمانی و ... هر یک از این گناهان می‌تواند بنیان خانواده را متلاشی کند. از این رو در اینجا به بررسی بعضی از نتایج دروغ پرداخته می‌گردد (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۵۲).

۲-۵. نفاق و دورویی در میان افراد

یکی از آثار دروغ، نفاق است. فرد دروغگو به دلیل فراموش‌کاری در مورد یک موضوع، حرف‌های متفاوتی می‌زند که گاهی مطابق با واقعیت است و گاهی بر خلاف آن. بیان متفاوت در یک موضوع باعث بروز نفاق در او می‌گردد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «الْكَذِبُ يُؤَدِّي إِلَى النِّفَاقِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۹)؛ دروغ به نفاق می‌انجامد. انسان دروغی می‌گوید و آن را فراموش می‌نماید و بعد خبری می‌دهد که منافی با دروغ اولی است و خود را نزد مردم رسوا می‌سازد. پس دروغ برداشت دوگانه از رفتار ایجاد می‌کند. دروغ دری از درهای نفاق است (دستغیب، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۹). بر اساس بیان قبل دروغ در خانواده نیز باعث برداشت نفاق و دورویی از رفتار همسر می‌شود (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۵۳).

از سوی دیگر، دروغ باعث می‌شود رفتارهای محبت‌آمیز همسران به یکدیگر که آب حیات هر زندگی است، کارکرد خود را از دست بدهد؛ چون همسر فرد دروغگو، به دلیل سابقه منفی طرف مقابل، محبت و احترام او را غیرواقعی می‌پندارد و کارهای محبت‌آمیز همسر را به دلایل دیگر همچون سوءاستفاده برای پیشبرد اهدافش می‌شمارد، درنتیجه دروغ باعث ضعف استحکام خانواده می‌شود.

انسان اگر از دروغ که نفاق گفتاری است، دست برندارد، عاقبت به نفاق باطنی و عملی هم مبتلا می‌شود. عدم صدق در نیت باعث ابتلاء به ریا و نیرنگ و فریب‌کاری و شرک می‌شود (خزعلی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۲). نیرنگ و فریب‌کاری نیز رابطه صمیمی

زن و مرد را خدشه‌دار می‌کنند. مردی که در سخن گفتن عادت به دروغ دارد، در وعده‌های عملی خود به خانواده هم دورویی و نفاق دارد و دروغ می‌گوید. علاوه بر این وعده دروغ به خانواده، اثر تربیتی نادرست بر فرزندان دارد و همچنین باعث جنگ و دعوا بین افراد خانواده و همین‌طور اگر بین اعضای جامعه نیز دروغ رواج یابد، همین اثر را خواهد داشت.

۲-۶. خیانت

یکی از آثار دروغ، خیانت است؛ زیرا دروغ، ایمان را از قلب دروغگو بیرون می‌آورد، و خودش به جای آن بر زبانش می‌نشیند. وقتی چنین شد، خیانت می‌کند و حق مردم را نمی‌دهد (کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۵۸). انسان دروغگو به هیچ قانون اخلاقی پایبند نیست و به راحتی خلف وعده می‌کند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الْصِّدْقُ أَمَانَةٌ وَالْكَذِبُ خِيَانَةٌ الصِّدْقُ يُنْجِي الْكَذِبُ يُرْدِي» (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲)؛ صداقت باعث امانتداری است و دروغ مایه خیانت است. صداقت مایه نجات و کذب مایه هلاکت است. هر زن و مردی که با هم تشکیل خانواده می‌دهند، یک‌سری تعهدات را نسبت به هم قبول می‌کنند که باید نسبت به آنها متعهد باشد. انسان دروغگو به تعهدات خود پایبند نیست و ممکن است رفتار خیانت‌آمیز داشته باشد و تعهدات خود را زیر پا بگذارد؛ زیرا یکی از لوازم وفا به عهد، صداقت است (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۵۴). وفا از اجزای صداقت ایمانی است. راستی در عمل، همان وفاست و خلاف آن دروغ عملی، یعنی خیانت و پیمان‌شکنی است (کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۸۵). امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند: «يُهَا النَّاسُ! اِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۴۱)؛ ای مردم وفا همزاد راست‌گویی است. پس بین دروغ و خیانت ارتباط مستقیم است. ناگفته پیداست که خیانت در جامعه تا به چه اندازه می‌تواند رابطه افراد را آسیب‌پذیر و متزلزل کند.

۲-۷. سوءظن و بدبینی نسبت به همدیگر

یکی از آثار دروغ، سوءظن و بدبینی است؛ زیرا کسی که عادت به دروغ کند و اطرافیان او را به دروغ‌گویی بشناسند، مورد بدگمانی قرار می‌گیرد. حتی اگر راست بگوید به او اعتماد نمی‌کنند و می‌پندارند محبت‌های او هدف دیگری دارد. از سوی دیگر، انسان دروغگو به

اطرافیان هم بدبین است و محبت‌های آنها را حمل به فریب می‌شمرد. انسان دروغگو چون خودش بر خلاف حقیقت سخن می‌گوید، درباره دیگران هم همین نظر را پیدا می‌کند (کافر همه را به کیش خود پندارد). دیگران را مانند خود دیدن تا حدی طبیعی است، هر چند این فکر غلط است. همچنین کسی که به راست‌گویی عادت کرده باشد، در نخستین بار با هر کس روبه‌رو شود، سخن او را راست می‌پندارد (صدر، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳-۲۲۴). با توجه به این بیان، انسان دروغگو در خانواده نیز دچار بدگمانی است و تمام کارهای همسر را معنادار می‌پندارد. محبت‌های او را غیرواقعی می‌داند. بعضاً ممکن است ارتباط‌های عادی همسرش با نامحرم را معنادار بیندارد. این مسائل بنیان خانواده را تضعیف می‌کنند و تضعیف بنیاد خانواده موجبات تضعیف جامعه نیز می‌گردد.

۳. راهکارهای مواجهه با دروغ از منظر آیات و روایات

برای ریشه‌کن کردن این رذیله، نخست باید سراغ ریشه‌های آن رفت. اگر انگیزه دروغ بی‌ایمانی نسبت به توحید افعالی است، باید پایه‌های ایمان را تقویت کرد. اگر انگیزه آن حسد و بخل و کبر و غرور است، باید به درمان آنها پرداخت. به‌یقین اگر این ریشه‌ها قطع شوند، صداقت به وجود می‌آید. البته راهکارهای دیگری هم برای درمان دروغ‌گویی است، که عبارتند از:

۳-۱. توجه به آثار سوء دروغ در دنیا و آخرت

مطالعه عواقب سوء دروغ و نتایج مثبت صداقت برای هر انسان متفکر و فهیم، بزرگ‌ترین درس عبرت و مانع دروغ گفتن است. ازجمله پیامدهای سوء دروغ‌گویی تهمت، خیانت، نفاق در زندگی زناشویی است که سابقاً بیان شد، این موارد چگونه باعث انحطاط و فروپاشی خانواده می‌گردند. دروغگو مورد لعنت خداوند است. خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره آل عمران می‌فرماید: «فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم. این آیه طرد خدا و دور کردن از رحمت او را، کنایه از عقوبت بر دروغ‌گویان بیان کرده است (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۷۵).

دروغ گاهی قوه تشخیص انسان را ویران می‌کند، از این‌رو ضرورت دارد از آنان دوری کرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدُ وَ يَبْعُدُ عَلَيْكَ

و آنها نیکو رفیقانی هستند. از تعبیر این آیه روشن می‌شود که بعد از مقام نبوت، مقامی بالاتر از مقام صدق و راستی نیست، و در مقابل آن، هیچ صفت زشتی بعد از کفر بدتر از دروغ و نفاق و خیانت در سخن و عمل نیست (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶۱). توجه به بالا بودن جایگاه صدیقان حتی نسبت به شهدا و صالحان، انگیزه خوبی برای ترک دروغ‌گویی است.

۳-۲. معاشرت با راست‌گویان

یکی از راهکارهای درمان دروغ، معاشرت با اهل صداقت است. مسلمان برای برخورداری از زندگی سالم و فرار از آسیب‌های دروغ، چاره‌ای جز همراهی با اهل صداقت ندارد. در آیات و روایات نیز به معاشرت با اهل صداقت توصیه شده است. خداوند در آیه ۱۱۹ سوره توبه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ ای اهل ایمان از گناهان بپرهیزید و با راست‌گویان باشید. برای اینکه بتوانید راه پریچ‌وخم تقوا را بدون گناه و انحراف طی کنید، باید با صادقان باشید. همراهی و هم‌دلی با راست‌گویان در تعالی روحی انسان تأثیر به‌سزایی دارد و باعث رشد ارزش‌های اخلاقی و انسانی می‌گردد، تا جایی که او خود از راست‌گویان می‌گردد (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۱۸).

در روایات نیز از دوستی با اهل دروغ نهی شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۵)؛ از دوستی با دروغگو برحذر باش. در خانواده نیز برای ممانعت از ایجاد دروغ و سالم ماندن از عواقب آن، باید از معاشرت با دوستان و انسان‌های دروغگو دوری کنیم تا متصف به این صفت نشویم و بنیان خانواده را تضعیف نکنیم؛ زیرا ستون روابط خانواده، اعتماد اعضا به همدیگر است که با دروغ از بین می‌رود.

زمانی انسان در محیطی زندگی می‌کند و یا با دوستانی معاشرت می‌کند که اهل صداقت هستند، او نیز از این رذیله پاک می‌شود. زندگی‌اش اصلاح می‌گردد و روابطش در خانواده تصحیح می‌شود. در خانواده‌هایی که اعضای آن، اهل دروغ‌اند، روابطشان تیره است. ناکفته‌نماند که بچه‌های این خانواده با دروغ آشنا می‌شوند و در زندگی آینده‌شان دچار عواقب دروغ می‌شوند. این موضوع به حدی مهم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آموزش دروغ‌گویی را به هر طریقی نهی کرده است، ایشان می‌فرمایند: «لَا تَلْقُوا الْكَذَّابَ فَتَكْذِبُوا فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الذَّنْبَ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ فَلَمَّا لَقْنَهُمْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ

الْقَرِيبُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۷۵)؛ از دوستی با دروغگو برحذر باش؛ چراکه او مثل سراب است، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور می‌سازد. دروغ حتی شرایط اقتصادی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اغْتِيَاذُ الْكَذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۹، ص ۲۶۱)؛ عادت به دروغ، موجب فقر است. فقر و نداری در زندگی باعث اختلاف و مشاجره بین همسران می‌شود. بر اساس آمار در ایران درصد بالایی از طلاق‌ها نتیجه بی‌اعتمادی و دروغ است (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۲۸).

صداقت آثار مثبت فراوانی دارد، امور انسان را اصلاح می‌کند و او را از نفاق و خیانت و سایر گناهان دور می‌کند. خداوند در آیات ۷۰ و ۷۱ سوره احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلَحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بپرهیزید و بترسید از خدا و بگوئید، گفتن محکم و مناسب تا خدا کردارهای شما را برایتان به صلاح آرد و گناهان شما را بپامزد. گفتار راست، انسان را از فساد دور می‌کند و از شائبه دروغ و بیهوده‌گویی خالص و پاک می‌کند؛ زیرا خداوند می‌فرماید: اگر از خدا ترسیدید و سخن درست گفتید، برای شما اعمال شما را اصلاح می‌کند. در آن اعمال بر شما مهربانی می‌کند تا بر راه استوار و راستی که سالم از فساد باشد شما را مستقیم و موفق نماید (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۱۸۸). علامه طباطبائی ذیل همین آیه می‌فرماید: «صداقت در قول خود، مستلزم صداقت در فعل، یعنی صراحت و پاکی از نفاق هم هست و صداقت در قول خواه ناخواه کار انسان را به صلاح و سداد می‌کشاند، و از ارتکاب هر گناه و معصیتی باز می‌دارد و آموزش را اصلاح می‌کند» (طباطبائی، ۱۳۹۴، ج ۶، ص ۳۶۱). صداقت در خانواده نیز همین آثار را دارد و باعث اصلاح امور خانواده می‌شود. مشکلات بین اعضای خانواده را حل می‌کند (خالقی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۵۸).

انسان عاقل با کمی اندیشه درباره این‌همه آثار مثبت صداقت و پیامدهای منفی دروغ، مسیر خود را مشخص می‌کند. همچنین توجه و تفکر به جایگاه صدیقان باعث راست‌گویی می‌شود: «وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹)؛ و کسانی که از خدا و فرستاده‌اش اطاعت نمایند، آنان همراه کسانی هستند که خدا برای آنها نعمت بخشیده از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان

قبول ندارند. «احوط - اگر نگوئیم اقوی - جایز نبودن دروغ به همسر است، مگر در موارد اکراه و اضطرار (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴). در ادامه همین مطلب می‌فرمایند منظور از اضطرار، اصلاح بین همسران و ابراز محبت است.

میان همسران باید منتهای پاکی و یگانگی و صداقت و صمیمیت برقرار باشد و باید مانند دو آینه قدنما باشند که هر کدام تمام وجود خود را در دیگری ببینند، و مانند دو نهر آب زلال که هر کدام از قعر وجود هم آگاه باشند و هیچ کوچک و بزرگی از هم پنهان نکنند. بنابراین دروغ به‌هیچ‌وجه روا نیست، نه به صورت وعده، نه به هیچ صورت دیگر. اما در مقام اصلاح میان دو نفر، باید از هر کدام بدی می‌شنویم برای دیگری خبر نبریم و آتش کینه و دشمنی را دامن نزنیم (راشد، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۶۰-۱۶۲).

البته راست‌گویی به‌معنای بیان همه حقایق نیست. با تمام آنچه که درباره زشتی دروغ و لزوم صداقت بیان شد، نباید فراموش کرد که اگرچه دروغ گفتن حرام است؛ اما این بدان معنا نیست که گفتن سخن راست همیشه لازم باشد. گاهی بیان سخنان راست، فتنه‌ای ایجاد می‌کند که اصل زندگی در معرض نابودی قرار می‌گیرد؛ مثلاً فرض کنید مادر شوهری، غیبت عروس خود را کرده، اما صداقت حکم نمی‌کند که مرد این مسئله را با همسرش در میان بگذارد؛ زیرا این عمل، موجب مفاسد زیادی می‌شود. اختلاف و درگیری در خانواده به وجود می‌آورد. اگر راست‌گویی باعث فتنه یا عداوت مؤمنی یا فساد شود، جایز است که انکار آن را کند و اگر کسی مکدر شده باشد و رفع آن موقوف باشد به انکار سخنی که گفته باشی یا عملی که کرده باشی، جایز است انکار آن (نراقی، ۱۳۴۸، ص ۵۷۵).

نتیجه‌گیری

یکی از ارکان و شرایط زندگی در خانواده و جامعه صداقت است. صداقت و عدم دروغ‌گویی با حیات بشر زاییده شده و عمر آن مساوی با عمر نوع انسانی است. هیچ خردمندی در اهمیت و لزوم آن برای سلامت و امنیت انسان تردیدی ندارد و یا اثر سودبخش و قاطع آن را در تقویت اساس رشد و اصلاح مشکلات خانواده و جامعه انکار نمی‌نماید. صداقت و راستی در حقیقت، مزین شدن به صفت اعتماد و تکیه کردن افراد به قول و رفتار هم است تا رشته پر پیچ و تاب ارتباط را از هم نگسلد و بنیان خانواده و جامعه را نابود نکند.

يَاكُلُهُ الذُّبُّ» (متقی هندی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶۲۴)؛ هرگز تلقین دروغ به مردم نکنید؛ چراکه فرزندان یعقوب (تا آن زمان) نمی‌دانستند که گرگ ممکن است انسان را بخورد، هنگامی که پدرشان یعقوب به آنها گفت از این بیم دارم که گرگ او را بخورد، آنها یاد گرفتند و گفتند یوسف را گرگ خورد.

۳-۳. پرهیز از دروغ کوچک و شوخی

یکی از راهکارهای درمان و نفوذ این صفت زشت در بین افراد، دوری از دروغ کوچک و حتی دروغ به نحو شوخی است؛ زیرا صفات ردیله معمولاً از جاهای ساده و کوچک آغاز می‌شود و تدریجاً به مراحل خطرناک می‌رسند. همیشه گناهان کوچک آغازگر گناهان بزرگ هستند. شیطان در آغاز کار، انسان را دعوت به گناهان کوچک می‌کند؛ زیرا انسان از ارتکاب به گناه بزرگ، بیم دارند. یکی از عواملی که گناهکار را وادار به گناه بزرگ می‌کند، ارتکاب گناهان کوچک و بی‌اهمیت شمردن آنهاست. گناهان کوچک، خوف خدا را از دل می‌برد و به جای آن، جرئت بر خدا را می‌آورد. ترک گناهان کوچک به‌منزله پیشگیری از گرفتار شدن به گناهان بزرگ می‌باشد (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۴۱۲؛ صدر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷). امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «تَقْوُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزَلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۲۳۵)؛ از دروغ پرهیز، خواه کوچک باشد یا بزرگ، جدی باشد یا شوخی؛ چراکه انسان هنگامی که در موضوعات کوچک دروغ بگوید، جرئت می‌کند که دروغ بزرگ هم بگوید.

اساس زندگی بر صداقت و راستی است. زن و مرد آیینی همدیگر هستند که برای رشد و تکامل نیاز به هم دارند. دروغ واقعیت را می‌پوشاند و مانع رشد و تکامل همدیگر می‌شود، فرقی نمی‌کند که مصلحتی و یا غیرمصلحتی باشد. دروغ به همسر، بنیاد خانواده را در درازمدت متزلزل می‌کند؛ اگر هم در جایی از دروغ مصلحتی سخن رفته، حد اکثر دلالتش آن است که آنان در ابراز محبت‌های مبالغه‌آمیز آزاد هستند، و چون این بازی دو طرفه است، مسئله فریب‌کاری در میان نخواهد بود و از مقوله دروغ اصطلاحی بیرون خواهد رفت (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۴۵۶). امام خمینی علیه السلام در بحث دروغ مصلحتی حتی این‌گونه دروغ را در خانواده

این صفت در طول زمان‌ها و برای همه اقوام مشترک است. در بعضی از انسان‌ها این صفات به دلیل عدم ایمان، ضعف شخصیت، معاشرت با دروغ‌گویان، عدم اعتماد به هم به فراموشی سپرده می‌شود و عواقب خطرناکی مانند از بین رفتن اعتماد، نابودی رشته محبت، مشغول شدن به امور واهی و دور شدن از همدیگر، دشمنی و کینه و سرانجام نابودی اجتماع کوچک، اما مهم خانواده و ازهم‌گسیختگی جامعه است، اما افرادی که به تعادل قوای باطنی خود پرداخته و نگاه عاقلانه به عواقب دنیایی و اخروی دروغ دارند و خواسته‌های دل را با پسند عقل و خرد منطبق کنند در مرحله عمل از معاشرت با دروغ‌گویان دست برداشته و حتی دروغ کوچک بر زبان جاری نمی‌نمایند، به طور مسلم راه خوشبختی را در میان انبوه مشکلات پیدا می‌کنند.

خزعلی، محمدعلی (۱۳۸۷). متن و شرح دعای ابوحمزه ثمالی. قم: ابتکار دانش.
خوانساری، آقاجمال (۱۳۶۶). شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
دستغیب، عبدالحسین (۱۳۸۸). گناهان کبیره. چ بیست و دوم. قم: دفتر نشر اسلامی.
دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). سیره نبوی منطق عملی. چ هشتم. تهران: دریا.
راشد، حسینعلی (۱۳۹۱). سخنرانی‌های راشد. بی‌جا: پارس کتاب.
صدر، سیدرضا (۱۳۸۷). دروغ. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. تهران: دارالفکر.
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فرجاده، محمدحسین (۱۳۷۲). آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق. تهران: منصوری.
قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. چ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
قمی، عباس (۱۳۹۹). مقامات العلیّه فی موجبات السعادة الابدیّة. بی‌جا، کتابستان معرفت.
کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی (۱۳۸۹). سیری در سپهر اخلاق. قم: صحیفه خرد.
لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحديث.
متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۴ق). کنز العمال فی سنن اقوال و افعال. چ پنجم. بیروت: مؤسسة الرسالة.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار الاحیاء التراث.
مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: آستان قدس رضوی.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب.
مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). زندگی در پرتو اخلاق. قم: سرور.
موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). المکاسب المحرمه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۴). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
موسوی لاری، مجتبی (۱۳۷۶). رسالت اخلاق در تکامل انسان. چ چهارم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
موسوی لاری، مجتبی (۱۳۷۸). بررسی مشکلات اخلاقی و روانی. چ چهارم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
مهدوی‌کنی، محمدرضا (۱۳۹۸). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. چ هفتم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
نراقی، احمد (۱۳۴۸). معراج السعادة. تهران: حوزه علمیه.
ورام بن ابی‌فراس، مسعود (۱۴۱۰ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر. قم: مکتبه الفیضیه.

منابع.....

قرآن کریم.
نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.
اسلامی، حسن (۱۳۸۷). دروغ مصلحت‌آمیز. قم: بوستان کتاب.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۱). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه هاشم رسولی محلاتی. قم: دار الکتاب.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. قم: آل‌البیت.
خالقی‌نژاد، سکینه (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی بنیان خانواده و راهکارهای مواجهه با آن از نگاه قرآن و روایات. قم: حوزه علمیه.
خانی، رضا و ریاضی، حشمت‌الله (۱۳۷۲). ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة. بی‌جا: دانشگاه پیام نور.

